

اصلاحات ارضی در آذربایجان با تأکید بر موقوفات

شهین عسگریار

sh.asgaryar@gmail.com دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

منیژه صدری (نویسنده مسئول)

manijehsabri@gmail.com استادیار گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

عزیز طالعی قره قشلاق

a_taleei@yahoo.com استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

منیره کاظمی راشد

kazemirashed@yahoo.com استادیار گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۰۲۷۱-۲۰۰۸) - سال ۱۶ شماره ۶۳ - صفحه ۵۹-۳۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۵

چکیده

تا حکومت محمدرضا شاه با هدف رسیدن به نتایج اقتصادی و سیاسی مهم جهت ارتقاء وضعیت روستاییان ایران و تغییر ریشه‌ای در روابط سنتی روستایی اقدام به اصلاحات ارضی کرد. مالکان و زمین‌داران بزرگ نیز برای رهایی از قانون اصلاحات ارضی، زمین‌های بسیاری از روستاها یا اطراف شهرها را وقف کردند تا درآمد حاصل از آن برای مقاصد مذهبی و خیریه به کار گرفته شود. از جمله موارد مصرف آن گذشته از امور مذهبی، نگهداری و حفظ امور عام‌المنفعه مانند حفاظت از قنوات بود، در ادامه با تغییر قانون اصلاحات ارضی، موقوفات عام مشمول بیع قرار گرفت. همچنین خروج موقوفات از نظارت وزارت فرهنگ و هنر و انتقال امور آن به «بنیاد پهلوی» تغییراتی را در نظام سنتی روستایی ایجاد کرد. این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی پدیده فوق را در آذربایجان بر اساس اسناد و مدارک مورد تحلیل قرار خواهد داد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ساخت سنتی تصرف و بهره‌برداری جمعی زمین در بسیاری از مناطق روستایی شکسته شد و علاوه بر کاهش میزان بهره‌دهی زمین‌ها، فروش موقوفات تولید جمعی را برهم زد. با قطعه‌قطعه شدن زمین‌های زراعی، علاوه بر کاهش میزان بهره‌دهی زمین‌ها، تولید جمعی را که در روستاهای ایران به نام بنه، صحرا، حراثه و... معروف بود؛ تغییر داده و اعضای آن را به حداکثر ۴-۲ خانوار تقلیل یافت و سبب افزایش مهاجرت روستائیان به شهرها و تبدیل کشاورزان به افراد روز مزد در شرکت‌های سهامی و شرکت‌های کشت و صنعت بود.

کلید واژگان: موقوفات، پهلوی، اصلاحات ارضی، کشاورزی.

مقدمه

سابقه اعطای زمین به کشاورزان یکی از اصولی بود که پس از انقلاب ۱۳۳۵/۱۹۱۷ق در روسیه همواره از طریق احزاب کمونیستی جهان مطرح می‌شد و کوشش می‌گردید تا از این طریق، کشاورزان و دهقانان زحمت‌کش کشورهای جهان سوم به ایدئولوژی کمونیستی گرایش یابند. پس از شهریور ۱۳۲۰/۱۹۴۱ و تشکیل احزاب کمونیست در ایران، از اعطای زمین به کشاورزان همواره در جهت مبارزه با دولت‌ها استفاده می‌شد. در ۱۳۲۵/۱۹۴۶م فرقه دموکرات آذربایجان پس از اعلام خودمختاری قوانین اصلاحات ارضی را تنظیم و در آذربایجان نیز به مرحله اجرا گذاشت (خلجی، ۱۳۸۱: ۷۱). به همین دلیل سیاستمداران آمریکا در اواخر دهه ۴۰ از بی‌ثباتی سیاسی اوضاع ایران نگران بوده و سیاست «اتحاد برای پیشرفت» را در کشورهای در معرض خطر کمونیسم بدون تغییر نظام استبدادی حاکم در این کشورها، اجرا کردند. اجرای اصلاحات اجتماعی را در کشورهای توسعه نیافته جهان سوم و خاورمیانه برای پیشگیری از انقلاب‌های قهرآمیز بکار بردند (آوری، ۱۳۶۸: ۱۸۲). بر طبق دکترین جان اف. کندی ایران نیز از انجام اصلاحات اجتماعی - اقتصادی مستثنی نبود (رک: بیل، ۱۳۷۱: ۱۸۴). از طرفی چون صنایع و اقتصاد آمریکا و کشورهای غربی نیازمند بازارهای مصرف جدید بود و کشورهای خاورمیانه به علت ساختار اقتصادی مبتنی بر رژیم ارباب و رعیتی، امکان مصرف تولیدات جدید را نداشتند به زعم سیاستمداران آمریکا، کمونیسم، زمینه ایجاد «انقلاب سفید» را فراهم و از گسترش فعالیت‌های مردمی علیه حکومت‌های دست‌نشانده‌ی آمریکا جلوگیری کند (گازیورسکی، ۱۳۷۱: ۱۷۲). وضعیت زمین‌های وقفی یکی از عمده مشکلات دولت در امر اصلاحات ارضی محسوب می‌شد. در این مقاله در تلاش هستیم ضمن بررسی وضعیت اصلاحات ارضی در

آذربایجان، تغییرات ایجاد شده در کارکرد زمین‌های وقفی را با تکیه بر اسناد و مدارک به جا مانده مورد واکاوی قرار دهیم

پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع اصلاحات ارضی و موقوفات به شکل پراکنده کارهایی انجام شده است. در کتاب حقوق کاربردی وقف و اراضی موقوفه ضمن پرداختن به وقف کلیاتی نیز در خصوص اصلاحات ارضی بیان نموده است. نویسنده کتاب زمین و انقلاب در ایران گزارش‌هایی کلی از اصلاحات ارضی، عدم موفقیت آن و زمین‌های وقفی سخن گفته است. خانم لمبتوندر اثر خود به مسئله کشاورزی و کشاورزان، مسئله وقف در اسلام و ایران، وضعیت اوقاف در ایران، وظایف دیوان موقوفات، در حل و فصل متصرفات موقوفه، وضع اوقاف در ایران در دوره‌های مختلف پرداخته است. نویسنده کتاب وقف در ایران به سیر تحول تاریخی وقف و آثار هنری در معماری و غیره به تفصیل پرداخته است. محمد جواد عمید نیز به بررسی کلیات کشاورزی ایران، نظام‌های اجاره‌داری سنتی، نظام ارضی، تأثیر اصلاحات ارضی در بهبود وضعیت زندگی و غیره پرداخته است. در آثار منتشر شده فوق در خصوص زمین‌های وقفی آذربایجان در اصلاحات ارضی به شکل کامل پرداخته نشده است.

اصلاحات ارضی و چگونگی اجرا و روند آن

مبارزه با فساد اداری اولین اقدام علی‌امینی پس از رسیدن به نخست‌وزیری، جهت جلوگیری از ورود افکار کمونیستی و سقوط رژیم پهلوی بود. اقدام دیگر وی «اصلاحات اقتصادی» بود که با هدف ایجاد طبقه کشاورزان مستقل تصویب و برای تغییر زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی کشور به اجرا گذاشته شد (امینی، ۱۳۷۴: ۷۴؛ فوران، ۱۳۷۷: ۴۶۲). اصلاحات ارضی به عنوان مهم‌ترین اقدام که تغییرات اساسی در ساخت

اقتصاد و اجتماع ایران بوجود آورد؛ برگرفته از اندیشه‌ی آمریکاییان بود. تصویب اجرای قانون اصلاحات ارضی توسط علی امینی، شاه را از ناحیه وی نگران می‌ساخت (عبادی، ۱۳۸۱: ۳۷؛ هالیدی، ۱۳۵۸: ۲۶۲). حسن ارسنجانی وزیر کشاورزی، منتخب امینی برای اجرای اصلاحات ارضی در طول چهار ماه تلاش گسترده و جدی را در ایران آغاز کرد. این قانون بعدها به عنوان مرحله اول اصلاحات ارضی معروف شد. امینی و ارسنجانی بدنبال برنامه اصلاحات ارضی جامعی بودند: تقسیم زمین میان دهقانان صاحب نسق (حدود ۶۵ درصد جمعیت روستایی) که می‌بایست بهای زمین را به صورت اقساط و سالانه به مالکان بپردازند. روش اولیه آنان را در برآورد بهای اراضی، مبتنی بر مالیات‌های پرداخت شده توسط مالکان بود. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۵۰). لذا برنامه اصلاحات امینی - ارسنجانی با مخالفت مالکان و پیشوایان مذهبی محافظه کار مواجه شد. از سوی دیگر شاه نیز به مخالفت پرداخت. در تیر ماه ۱۹۶۲/۱۳۴۱ بین شاه و امینی بر سر بودجه نظامی اختلافی بوجود آمد که منجر به برکناری علی امینی و روی کار آمدن اسدالله علم (یکی از بزرگ مالکان بیرجند و قائنات) شد. انتخاب او به منزله اطمینان دادن به خوانین سراسر کشور بوده که از اجرای اصلاحات ارضی به وحشت افتاده بودند (باقی، ۱۶۳: ۱۳۷۰).

بر اساس قانون اصلاحات ارضی زمین‌هایی که به روش مکانیزه کشت می‌شدند؛ مشمول اصلاحات ارضی نمی‌شدند. لذا برخی از مالکان املاک خود را به مکانیزه و به روش پرداخت دستمزد به کشاورزان تغییر دادند و به این طریق توانستند از اجرای کامل این قانون همزمان با گسترش حوزه عمل اصلاحات ارضی از آذربایجان به سایر مناطق کشور جلوگیری کنند (آوری، ۱۳۶۷: ۵۲۰).

در مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی نیز، برابر مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی، بهمن ماه ۱۳۴۱، مصوب هیات وزیران توجه بیشتری به موقوفات شد. لذا بیشتر مالکان برای جلوگیری از دست رفتن زمین‌هایشان آن‌ها را به کمک روحانیون وقف عام یا خاص

نمودند. چرا که بر طبق قانون اصلاحات ارضی قرار بود کشاورزان بیش از اصلاحات ارضی منتفع شوند و روش‌های که برای اجرای اصلاحات ارضی در نظر گرفته شده به گونه‌ای که اکثریت قابل توجه روستائیان نه تنها از تقسیم اراضی سود مادی قابل ملاحظه‌ای نبردند، بلکه در طول چند سال شرایط اقتصادی آنان به تدریج بدتر شد. در عین اینکه توجه مردم ایران به وقف را با وجهه عبادی و اقتصادی یکی از وسایل عمومی شدن مالکیت خصوصی و توزیع عادلانه ثروت و حفظ میراث فرهنگی و تعالی مذهبی می‌نگریستند. برخی از مالکان بزرگ با انگیزه‌های والای انسانی وقف زمین‌ها را برای رفع نیازمندی‌های هم‌نوع خود مناسب تشخیص دادند.

شاه رهبری اصلاحاتی را که امینی با حمایت واشنگتن آغاز کرده بود، به دست گرفت و در ششم بهمن ۱۳۴۱ آن چه را که خود انقلاب سفید نامید و سپس به انقلاب شاه مردم معروف شد و قرار بود تغییرات نوین گسترده و فراگیری که بر کل زندگی ایرانیان تأثیر بگذارد؛ ایجاد کرد. در ذهن شاه دموکراسی و غربی شدن نیز عدالت اجتماعی، خودکفایی، استقلال سیاسی و اقتصادی در سازگاری کامل با ارزش‌های اسلامی بود. اصلاحات شامل تقسیم اراضی و انقلاب صنعتی و آموزشی و اداری می‌شد. به هنگام اعلام برنامه اصلاحات ارضی اعضای خاندان سلطنتی، حدود صد تن از روسای ایلات و طوایف بزرگ زمین‌دار و چند تن از خاندان‌های دیگر، مالک تقریباً دو سوم زمین‌های زراعی کشور بودند، زمین‌های وقفی و اراضی خالصه، ۱۸ درصد دیگر از زمین‌ها را شامل می‌شد، و حدود ۷۵۰۰۰۰ نفر از زمین‌داران خرده و دهقانان کمتر از ۲۰ درصد از کل زمین‌ها را دارا بودند (اداره آمار عمومی، ۱۳۴۱).

سرهنگ ولیان به ریاست سازمان اصلاحات ارضی که بعدها به وزارتخانه تبدیل شد؛ منصوب گردید. اجرای اصلاحات ارضی پس از آذربایجان در کردستان، کرمانشاه، نواحی مرکزی ایران، فارس و دیگر استان‌ها به مورد اجرا گذاشته شد. اصلاحات در ایران به

صورت گام به گام و در سه مرحله در سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۸ ش به اجرا درآمد و به بیش از نیمی از کشاورزان زمین داده شد. در نخستین برنامه قانون اصلاحات ارضی حدود ۲۰ درصد خانوارهای روستایی را دربر گرفت، مرحله دوم اصلاحات ارضی (۵- ۱۳۴۳) که اکثریت باقیمانده صاحبان نسق را در بر گرفت عمده‌تاً قانونی در جهت اصلاحات جاری بود، گرچه متضمن کوشش‌های ناموفقی برای ایجاد شرکت‌های زراعی بزرگ‌تر بود. مرحله سوم (۵۷- ۱۳۴۵) کمابیش منحصرأً به ایجاد شمار زیادی از این گونه شرکت‌های زراعی اختصاص می‌داشت و مرحله چهارم نیز یک سیاست کشاورزی دولتی جهت ایجاد کشت و صنعت‌ها یا مزارع عظیم سرمایه داری نبود (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۳۵۱).

علم انتخابات مجلس بیست و یکم را مهیا کرد، وزارت کشاورزی را به یک تیمسار ارتش سپرد، میزان بودجه تعاونی‌های روستایی را بسیار کاهش داد و از همه مهم‌تر از طرح‌های ارسنجانی برای مرحله دوم اصلاحات ارضی را تعدیل کرد (شاهدی، ۱۳۸۰: ۳۷۲). براساس این قانون تعدیل یافته، زمین‌دارانی که مشمول مرحله اول نشده بودند اجازه یافتند تا ۱۵۰ هکتار زمین غیرمکانیزه را برای خود نگه دارند. در خصوص زمین‌های مازاد نیز پنج راه حل به آن‌ها پیشنهاد شد: می‌توانستند زمین‌ها را به مدت سی سال به دهقانان اجاره دهند، زمین‌ها را به قیمت توافق شده به دهقانان بفروشند، زمین‌ها را براساس سهم بندی گذشته محصول تقسیم کنند، شرکت‌های سهامی زمین‌دار- دهقان تشکیل دهند، و یا اینکه حق کشت دهقانان را یکجا خریداری کنند. متولیان موقوفات نیز می‌توانستند زمین‌های خود را به صورت اجاره‌های نود و نه ساله و یا قراردادهای پنج ساله اجاره دهند. (فوران، ۱۳۷۷: ۴۷۳)

بدین ترتیب، قانون مرحله دوم اصلاحات ارضی زمین‌داران اجازه داد تا جایی که کشاورزان اجاره دار، کارگران مزدبگیر، ماشین آلات کشاورزی را جایگزین نسق داران

کنند و تا حدود نصف یک ده شش دانگ را برای خود حفظ کنند. صرف نظر از بررسی تاثیرات مثبت و منفی انقلاب سفید، شاه موفق شد با انجام این انقلاب ضمن حفظ موضع خود در سیاست ایران توانست فرایند بسیج مهار شده توده‌ها را آغاز کند و پایگاه‌های جدیدی برای حمایت از خود در میان کشاورزان، کارگران صنعتی، زنان و جوانان، روشنفکران، پیشروان، فن سالاران (تکنوکرات‌ها) و دیوان سالاران (بوروکرات‌هایی) را که قبلاً بنا به علل غیر ایدئولوژیکی از رژیم او ناراضی بودند ایجاد کند. او توانست تا حد زیادی فعالیت اقتصادی را برانگیزد که همراه با بسیج توده‌ها چشم اندازهای آینده کشور را از لحاظ ثبات فوری اجتماعی و اقتصادی بهبود بخشید و امیدهای مردم را برای آینده‌ای بهتر برانگیخت. طبقه متوسط ایران نسبت به گذشته رشد سریع تری پیدا کرد که لازمه رژیم شاه برای ادامه شیوه سرمایه‌داری ارشادی در توسعه اجتماعی - اقتصادی بود (آوری، ۱۳۸۸: ۴۷۷). گام نخست و مهم شاه برای تحمیل اراده خود بر اقتصاد در ۱۳۴۱ و هنگام اعلام رسمی اصلاحات ارضی برداشته شد. سپس شاه سر رشته اصلاحات ارضی را به عنوان وسیله‌ای برای اصلاحات سیاسی به دست گرفت تا بتواند قدرت را از طبقه مالکان بزرگ ارضی بگیرد و حمایت روستاییان را جلب کند. (امینی، ۱۳۷۶: ۲۰۷-۲۰۲)

در ۱۳۴۲ شاه از موفقیت خود در اصلاحات ارضی، که تأثیر مثبتی در خارج از کشور داشت، استفاده کرد و پنج ماده دیگر به برنامه خود افزود - سهمی شدن کارگران از سود کارخانه‌ها، ملی کردن جنگل‌ها و مراتع، ایجاد سپاه دانش، فروش کارخانه‌های دولتی و اعطای حق رأی به زنان. این اصلاحات بر قلب حیات اقتصادی و اجتماعی ایران تأثیر گذاشت (آوری، ۱۳۸۸: ۵۲۲).

اصلاحات ارضی در آذربایجان روند اجرای آن

براساس قانون اصلاحات ارضی، زمین‌های آذربایجان شدیداً تحت نظام ارباب رعیتی اداره می‌شد. اصلاحات ارضی نخست از مراغه در آذربایجان جایی که خاطره تقسیم اراضی سال ۱۳۲۵ هنوز باقی بود؛ آغاز و سپس در سایر مناطق استان اردبیل، اهر و سایر استان‌ها اجرا گردید. انتخاب این استان برای آغاز مرحله اول اصلاحات ارضی ناشی از ملاحظات زیر بود:

۱- نزدیکی این منطقه به کشور اتحاد جماهیر شوروی

۲- شرایط اقلیمی مناسب از لحاظ بازده بالای محصولات کشاورزی

۳- دوری بیشتر مالکان آن از املاک خود

استان آذربایجان مانند بسیاری از استان‌های کشور در زمره عقب مانده‌ترین استان‌ها به شمار می‌رفت. مجله خواندنی‌ها در شماره مهر ۱۳۴۱ در توصیف وضع کشاورزی در آذربایجان نوشت: در راه و رسم زراعت و خرمن کوبی و جمع آوری محصول به همان روش هزار سال پیش است و زارعین از زودترین ساعات روز دست به کار می‌شوند و تا دیرترین ساعات غروب به جان کندن مشغول‌اند». براساس اسناد موجود کشاورزان محل، همچنان از سقوط قیمت‌های محصولات کشاورزی خود از جمله سبزی، گندم و جو ناراضی هستند و کسی در این مورد جوابگوی ایشان نیست (ساکما، شماره ۴۸۹۳، ۱۱۹/۳/۱۳۱۹).

قانون اصلاحات ارضی اصولاً شامل اراضی می‌شد که سیستم تقسیم محصول بین مالک و زارع بر آن حکمفرما بود. اراضی استیجاری نیز تا پایان مدت اجاره یا حداکثر ۵ سال، از این قانون مستثنی بودند. در این زمان کشاورزان آذربایجان غربی با ارسال شکایت‌های مختلف، مراتب ناخشنودی را از نحوه تقسیم بهره مالکانه و اجرای نسق انتخابی زارعین مربوطه در تقسیم ملک خود، به سازمان اصلاحات ارضی کل کشور ارسال

نمودند تا مورد رسیدگی مقامات مذکور قرار گیرد (اسناد کتابخانه ملی، شماره ۲۶۵۶۳۰/۱۳۵۰/۲).

امینی برای مبارزه با زمین‌داران بزرگ دستور داد تا کلیه مصوبات انتقال زمین پس از تصویب لایحه اصلاحات ارضی لغو گردد تا اربابان بزرگ از انتقال زمین‌های خود به فرزندان، همسران، اقوام و یا اشخاص مورد اعتماد باز مانند. در پی آن ارسنجانی نیز اعلام کرد که کلیه افرادی که پس از تصویب قانون املاک، اموال و مزارع خود را به نام فرزندان خود منتقل کردند. اخلال‌گر و خائن‌اند و باید مجازات شوند. به این منظور بلافاصله زمین‌داران بزرگ منطقه خود داوطلبانه مجری برنامه اصلاحات ارضی شدند. لذا برخی از مالکان که اجرای نهایی اصلاحات ارضی را قبلاً پیش بینی کرده بودند املاک خود را به مکانیزه و روش پرداخت دستمزد به کشاورزان نمودند و به این طریق توانستند از اجرای کامل این قانون همزمان با گسترش حوزه عمل اصلاحات ارضی از آذربایجان به سایر مناطق کشور جلوگیری کنند (فوران، ۱۳۷۷: ۴۷۳).

بر طبق قانون اصلاحات ارضی برخی از زمین‌ها خارج از شمول اصلاحات ارضی که عبارت بودند از باغ‌های میوه، چای‌کاری، قلمستان، همچینین، چنانچه اراضی (در هنگام تصویب اصلاحات ارضی) شکل اراضی مکانیزه و واحد بود و کشاورزان با دریافت دستمزد و در آن کار می‌کردند، این اراضی نیز مشمول اصلاحات ارضی نمی‌گردید (اسناد کتابخانه ملی، شماره ۲۶۵۶۳۰/۲/۱۳۵۰).

اجرای برنامه اصلاحات ارضی توسط محمدرضا شاه، موجب بر هم ریختگی نظام کشاورزی سنتی و روابط مالک و زارع شد بی آنکه سیستم جدید برای کشاورزی پی ریزی شود و مانع از سقوط کشت و کار آن‌ها گردد. بنابراین جامعه کشاورزی ایران دچار یک سردرگمی گردید به طوری که کشاورزانی که نمی‌توانستند بذر و آب و کود کافی به دست آورند به دلیل فقر به حاشیه شهرها مهاجرت کردند، از طرفی عدم واگذاری ماشین

آلات ضروری جهت ازدیاد محصول زیرکشت در اختیار کشاورزان قرار داده نشد و در نهایت سیستم زندگی شهرنشینی در روستاها گسترش یافت و درهای روستاها نیز به روی محصولات آمریکایی باز شد و مشکلات و عوارض شهری و سرخوردگی روستائیان موجب ایجاد قشرهای حاشیه نشین در شهرها شد (فیوضات، ۱۳۷۵: ۱۰۷-۱۰۸).

روزنامه آذربایجان در تسریع اثر نامطلوب مهاجرت‌ها می‌نویسد: «در حالی که سرمایه و فکر نیروی آذربایجان در تهران و خوزستان سایر نقاط دیگر کشور آبادانی و کار و فعالیت ایجاد می‌کرد آذربایجان دوران رکود ناراحت کننده‌ای را می‌گذراند و شاید بتوان گفت اگر این عوامل نامساعد در مناطق دیگری از کشور جمع می‌شدند آنچه اینک از فعالیت و کار در استان‌های آذربایجان اثر ببینیم در چنان مناطق وجود نداشتند». امر نه تنها از رشد و ازدیاد جمعیت در آذربایجان به میزان زیادی کاست، بلکه در عین حال تأثیر منفی روی ساختار جمعیت در این استان به جای گذاشت. زیرا در نتیجه مهاجرت دسته جمعی رو به افزایش آذربایجان در درجه اول و بطور عمده نیروی کار فعالی را که در جستجوی کار و کسب، شرایط و فرصت‌های مناسب برای زندگی بهتر، زاد و بوم خود را ترک کردند، از دست داد در نتیجه آذربایجان از لحاظ فنی و صادرات کارگری و مدیریت همچنین مالی فقیرتر شد که خود یکی از عوامل عمده رکود اقتصادی در این منطقه و عقب ماندگی شهرها و روستاها در کلیه زمینه‌ها بود» (همان، ۱۰-۱۱). در جریان اصلاحات ارضی دانشجویان ارومی با شعار (اصلاحات ارضی بله، دیکتاتوری نه) در دانشگاه، فریاد کشیدند در میتینگ‌ها، جبهه ملی دوم در فخرآباد و میدان فوزیه سابق و همچنین میتینگ هشتاد هزار نفری میدان جلالیه کلیه دانشجویان و اکثریت اصناف و بازاریان ارومیه مقیم تهران شرکت کردند (فروردین، ۱۳۵۸: ۲۲).

موضوع موقوفات در قانون اصلاحات ارضی و مسائل مرتبط با آن

وقف در لغت به معنای ایستادن، درنگ کردن، امساک ... و در اصطلاح به حسب عین حال، ملک، مستغلاً آن و جاری ساختن منافع آن در راه خدا گفته می‌شود. هر گونه نقل و انتقال مانند خرید و فروش، رهن، جابجایی، میراث گذاشتن، بخشیدن مال وقفی ممنوع است.

تشکیلات منسجم اداری اوقاف پس از انقلاب مشروطه و استقرار آن در سال ۱۲۸۵ هـ ش با تدوین قانون «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» رسماً تشکیل گردیده و امور موقوفات زیر نظر رؤسا و مسئولان وزارت معارف اداره می‌شد. با تصویب قانون مدنی در سال ۱۳۰۷ شمسی گامی در جهت اداره بهتر امور وقف برداشته شد. با تصویب قانون اوقاف سال ۱۳۱۳ ش و تصویب آیین نامه اجرائی آن در ۱۳۱۴ ش و پیش بینی اداره تحقیق برای نظارت بر موقوفات، اداره اوقاف شکل کاملاً اداری به خود گرفته و ماده ۱ قانون فوق‌الذکر به تصدی وزارت معارف و اوقاف بر موقوفات تصریح داد.^۱

ریاست فرهنگ در مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها تا ۱۳۲۸ مسئول اداره اوقاف نیز محسوب می‌شد. از آن پس مسئول اداره اوقاف جدای از ریاست فرهنگ تعیین می‌گردید ولی کماکان امور موقوفات زیر نظر وزارت معارف قرار داشت (مجله میراث جاویدان، ۱۳۷۲: ۴۵). در ۱۳۴۳ با تصویب قانون تفکیک وزارت فرهنگ، اداره امور اوقاف از فرهنگ منتزع و به صورت سازمانی مستقل درآمد. با تصویب قانون اصلاحات ارضی در ۱۳۳۸ و اصلاحات بعدی آن تا ۱۳۴۲، (موسوم به انقلاب سفید) موقوفات خاص به غارت رفت (بشیری، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

با شروع سیاست اصلاحات ارضی از ۱۳۳۹ به بعد، و تصویب اولین مصوبه آن یعنی «قانون اصلاحات ارضی» در ۱۳۳۹/۲/۲۶، سیاست اتخاذی در خصوص تحدید مالکیت اراضی شامل اراضی موقوفه نیز گردید، این قانون سیاست دولت را صرفاً در خصوص اراضی موقوفه خاص اعلام و تبیین نمود. ماده ۲ این قانون مقرر داشت، حداکثر مالکیت

زمین هر شخصی در تمام کشور اعم از قطعات متصل یا مجزا مجموعاً چهارصد هکتار (آیش وزیر کشت) از اراضی آب و یا هشت صد هکتار (آیش و زیر کشت) از اراضی دیم و بایر دیم. تبصره‌های مربوط عبارت‌اند از:

تبصره ۱- در مورد اراضی که تا تاریخ تقدیم این لایحه به مجلس وقف خاص شده است برای هر یک از موقوف علیهم تا میزان مقرر در این ماده کماکان به صورت وقف خاص باقی خواهد ماند و وجوه حاصل از فروش مازاد موقوفات مزبور با نظارت اداره اوقاف اختصاص به خرید مال دیگری داده می‌شود تا طبق ماده ۹۰ قانون مدنی مورد عمل قرار گیرد و در مورد زمین‌هایی که پس از تاریخ تقدیم این لایحه وقف خاص می‌شود مجموع سهام موقوفات علیهم نباید از میزان مجاز مقرر در این ماده برای یک شخص تجاوز نماید و مقدار زمینی که به این ترتیب وقف خاص می‌شود از مجموع زمین‌هایی که به موجب همین ماده در یک ملکیت مالک باقی می‌ماند کسر خواهد شد.

این قانون در اجرای سیاست اصلاحات ارضی و تجدید و تعیین تکلیف اراضی ایران و تقسیم اراضی بین زارعان به تصویب رسید. اما نباید توجه داشت که اتخاذ این سیاست به طور کلی و عدم تطبیق آن با برخی از مصادیق آن مانند: اراضی موقوفه که دارای نظام حقوقی خاص و جایگاه ویژه قانونی می‌باشند نشان را بی توجهی و اشتباه دولت وقت می‌باشد. چرا که اجرای این قانون در رابطه با اراضی موقوفه، علاوه از به انجام رساندن اقدامات غیرقانونی، غیرشرعی یعنی فروش و انتقال موقوفه، همچنین زمینه ساز ایجاد وضعیت مخربانه در رابطه با یک سنت نیکو و دیرپای قوم ایرانی بوده است که متأسفانه این امر از دید و ملاحظه قانونگذاران وقت دور افتاده است (بشیری، ۱۳۹۰: ۷۰۳).

توجه به یک نکته ضروری است که قانونگذار در خصوص واگذاری اراضی موقوفه همواره و عمدتاً به ماده ۹۰ قانون مدنی استناد نموده است، که این موضوع با ملاحظه متن این‌ها دیگر مقرر می‌دارد: «عین موقوفه در مورد جو از بیع با قرب به غرض واقف تبدیل

می‌شود.» بیانگر دید جزئی قانون گذار وقت و در نظر نگرفتن کلیه شرایط و دیگر مواد و اصول مرتبط با آن بوده است، بیع وقف ابتدا در مورد موقوفات خاص پذیرفته شد و سپس در آخرین مراحل اجرای قانون اصلاحات ارضی موقوفات عام نیز مشمول بیع قرار گرفت (رفیعی غلامرودشتی، ۱۳۷۳: ۱۰۴). این عمل دولت به روش مصادره به مطلوب تحقق یافته است. چرا که قانون مدنی موارد تجویز بیع مال موقوفه را در موارد ۸۸ و ۱۳۳۹ احصاء نموده است^{۱۱} که از ملاحظه متون این مواد معلوم است که این شرایط به هیچ وجه شامل مواد مذکور در قانون اصلاحات ارضی نمی‌باشند.

اقدام بعدی قانون گذار در خصوص تصویب «قانون اصلاحی قانون اصلاحات ارضی مصوب ۲۶ / ۲ / ۱۳۳۹» در تاریخ ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۴۰، نیز در ادامه همان مسیر قبلی بوده و در خصوص این اراضی باز به همان شیوه قبلی یعنی پس از اعلام میزان و حدود مالکیت هر شخص از راضی، سپس به موضوع شیوه فروش مازاد آن پرداخته است (قانون اصلاحی اصلاحات ارضی مصوب ۲۶ / ۲ / ۱۳۳۹).

در این میان ملاحظه تبصره ۵ ماده ۲ این قانون نیز بسیار جالب توجه است، زیرا که مقنن به منظور پیشگیری و مسدود نمودن راه‌های فرار و تقلب نسبت به قانون اعلام داشته است که: «از تاریخ تصویب، این قانون هر گونه اقداماتی که برای فرار از اجرای مقررات این قانون به عمل آید و او به عنوان ... وقف و غیره نسبت به دهات ممنوع و در صورت انجام کان لم یکن خواهد بود.» بنابراین و جدای از هر تحلیل و بررسی تأثیرات منفی چنین مصوبات و اقدامات ناصوابی بر پیکره نظام وقف ناگفته مشهود است.

پیگیری این سیاست از سوی دولت منجر به تصویب در قانون الحاق موادی به قانون اصلاحات ارضی در تاریخ ۲۷ / ۱۰ / ۱۳۴۱ گردید. قانونگذار در این قانون علاوه از شعارهای قبلی خود این بار برای قانونی و منطقی جلوه دادن دخالت خود در امر واگذاری و بهره برداری از اراضی موقوفه، متوسل به شعار جدیدی تحت عنوان تبدیل به احسن گردید به

همین منظور در ماده ۲ این قانون چنین مقرر داشته بود. «اوقاف خاص در صورت اقتضاء بر طبق قانون مدنی به منظور تبدیل به احسن از طرف دولت خریداری و بین زارعان تقسیم می شود و جوه حاصله از فروش این گونه املاک وسیله تولیت وقف اختصاص به خرید مال دیگری داده می شود تا طبق ماده ۹۰ قانون مدنی مورد عمل قرار گیرد».

شرایط اجرای این ماده یعنی بیان ماده و اقتضاء مذکور در ماده فوق، بعداً در ماده ۹ در آیین نامه اصلاحات ارضی» مصوب ۱۳۴۳/۵/۳ به شرح ذیل بیان گردید. در خریداری موقوفات خاص موضوع قسمت اخیر ماده ۲ از مواد الحاقی به قانون اصلاحات ارضی موکول به رضایت و تقاضای زارعین موقوفه خواهد بود در صورتی که زارعین حاضر به خرید نباشند مقررات بند الف ماده ۲ از مواد الحاقی به قانون اصلاحات با رعایت این آیین نامه قابل اجرا خواهد بود.»

بر این اساس مشاهده می شود که مقنن در این مصوبه ضمن اینکه خریدار اراضی موقوفه خاص را موکول به اعلام موافقت زارعین آن اراضی نموده و در این اعلام رضایت کمترین توجهی به متولی موقوفه ننموده است، همچنین مطابق شرایط تعیین شده و ارجاع آن به بند الف ماده ۱ «قانون الحاق موادی به قانون اصلاحات ارضی» مصوب ۱۳۴۰/۱۰/۲۷، که این مقرره چنین بیان می دارد: «مالکین ملک خود را بر اساس معدل عایدات سه سال اخیر ملک بدون در نظر گرفتن عوارض مطابق عرف محل به زارع همان ملک اجاره نقدی بدهند (بشیری، ۱۳۹۰: ۷۰۵).

مدت اجاره فوق سی سال و از جهت قیمت (میزان مال الاجاره) هر پنج سال قابل تجدیدنظر خواهد بود.» لذا مشاهده می شود که حتی در صورت عدم موافقت زارعین اراضی موقوفه به خرید آنها، مالکین (متولی) این اراضی مکلف به اجاره سی ساله این اراضی به زارعین آن اراضی بوده اند. که حتی همین موضوع به نحو دیگری در ماده ۵ «قانون مواد الحاقی به آیین نامه اصلاحات ارضی» مصوب ۱۳۴۶/۲/۱۲، نیز به شرح ذیل

مشهود می‌باشد: «سازمان اصلاحات ارضی مجاز است در مورد املاک موقوفه مشمول قانون اصلاحات ارضی که به علت وجود اشکالات ثبتی و حقوقی یا به هر علت دیگری اجرای قانون اصلاحات ارضی (اعم از مرحله اول یا مرحله دوم) در آن‌ها معوق مانده است و برای این قبیل املاک در قوانین و مقررات اصلاحات ارضی حاکم خاصی پیش بینی نشده باشد به قائم مقامی مالک یا منصرف و طبق مقررات فصل اجاره آیین نامه اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۳/۵/۳ کمیسیون خاص مشترک مجلسین ملک را به زارعین صاحب نسق اجاره داده، حال الاجاره را تا تعیین تکلیف قطعی از طرف مراجع قانونی در صندوق ثبت تودیع نماید» (مجلس شورای ملی، مجموعه قوانین، ۱۳۵۴: ۲۵۹۱).

آخرین موردی نیز که دولت در امر واگذاری اراضی موقوفه خاص برای مصارف زراعی و کشاورزی دخالت نموده است، تبصره ۸ ماده «در قانون تقسیم و فروش املاک اجاره به زارعین مستأجر» مصوب ۱۳۴۷/۲۳، می‌باشد که مقنن در این مقرره چنین بیان می‌دارد: «موقوفات خاص براساس مقررات این ماده و تبصره‌های آن بین زارعین و ناظر یا ... موقوف علیهم قابل تقسیم خواهد بود، وجوه حاصل از بابت سهم واگذاری به زارعین به منظور تبدیل به احسن وسیله متولی موقوفه اختصاص به خرید مال دیگری داده می‌شود تا طبق ماده ۹۰ قانون مدنی و مقررات مربوط مورد عمل قرار گیرد و نسبت به آن قسمت اراضی که در سهم موقوفه باقی می‌ماند، متولی و ناظر یا موقوفه علیهم براساس وقف نامه و مقررات مربوط اقدام خواهند کرد» (بشیری، ۱۳۹۰: ۷۰۶).

بنابراین همزمان ملاحظه می‌شود که قانون گذار وقت برای اعمال سیاست‌های اصلاحی خود روی اراضی موقوفه، بدون کمترین التفات و توجهی به مبانی قانونی و شرعی وقف و حتی رعایت شرایط قانونی، شرعی مربوط به نقل و انتقال اراضی موقوفه، با ادعای پیشین خود در خصوص تبدیل به احسن این اراضی و با استناد به ماده ۹۰ قانون مدنی، اقدام به وضع این مقرره نموده است. در واقع برنامه اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰/

۱۹۶۰ وابستگی‌های ارباب رعیتی را پشت سر نهاده و شیوه‌های جدیدی از مناسبات ارضی را به روستاهای ایران وارد کرد. اصلاحات ارضی باعث شد که کل نسق یا بخشی از آن به زارع نسق‌دار و بر طبق تقسیم سنتی محصول زمین فروخته شود (مرکز آمار ایران، سرشماری ملی کشاورزی: ۱۳۳۹).

به این ترتیب اصلاحات ارضی مالکیت حدود شش تا هفت میلیون هکتار زمین کشاورزی (حدود ۵۲ تا ۶۲ درصد کل اراضی-کشاورزی) را به زارعان نسق‌دار و اجاره‌دار انتقال داد پس از اجرای اصلاحات ارضی- با آنکه توزیع نابرابر درآمد از میان برنخاست- اما تمایز اجتماعی میان زارعان نسق‌دار، دهقانان خرده مالک و زمین‌داران کوچک، دهقانان خرده مالک نزدیک به دو سوم جمعیت روستایی را تشکیل دادند. یک سوم باقی مانده خوش نشین‌ها بودند (عظیمی، ۱۳۶۱: ۹۴-۷۵). اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰/۱۹۶۰ اغلب چنین نتیجه‌ی رفته شده که حاصل آن دو امر صنفی بوده است؛ نقصان در تولیدات کشاورزی که ایران را به مواد غذایی وارداتی متکی کرده است و فقیر کردن دهقانان که با مهاجرت از روستا به شهر دامن زده است. البته روند جدی مهاجرت از روستا به شهر از ابتدای دهه ۱۳۲۰/۱۹۴۰ و ۱۳۳۰/۱۹۵۰ آغاز شده بود اما عاملی که در مهاجرت روستائیان سهم داشت، سیاست آماری دولتی در جانبداری از شهرها در نرخ گذاری محصولات کشاورزی در سطح زیر قیمت بازار بود در نتیجه طرح‌های تحمیلی، بهای محصولات کشاورزی هر چه سریع‌تر از قیمت محصولات صنعتی و دستمزدها عقب می‌ماند که مانع سرمایه گذاری در عقب کشاورزی می‌شد.

اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰/۱۹۶۰ سبب نابود کردن گروه‌های توده روستائیان که بنه نامیده می‌شدند. به شمار آمده است در حالی که نظام بنه بخشی از نظام ارباب رعیتی در مناطق خشک و نیمه خشک بود که در آن‌ها کشت گندم رواج داشت. با الغای نظام ارباب

رعیتی، سازمان تولیدی نظام بنه که طبقه زمین در قدیمی آن را پس انداخته و حفظ کرده بود، محو شد.

زمین‌های روستایی یا اطراف شهری موقوفه به جهت آنکه درآمد حاصل از آنها را برای مقاصد مذهبی و یا خیریه به کار می‌رود که از جمله می‌توان برای نگهداری اسکان مذهبی و اعمال عام المنفعه در روستاها از جمله جهت نگهداری و حفاظت از قنوات که به صورت وقف خاص و عام بوده‌اند به کار برد از تقسیم معاف بوده ولی باعث تعجب است که اجرای اعمالی خاص در نحوه نگهداری و مالکیت آنها این نظام مقدس را دگرگون نموده است. یک نمونه از مسائل مربوط به زمین در مورد یکی از روستاهای موقوفه در نزدیکی شهر قزوین بوده است که طبق قانون فروش موقوفات مصوبه ۴/۲/۵۱ پس از سلب مالکیت و حق نسق زراعی از دهقانان به این شکل قدرتمندان و دست اندرکاران وقف به نام خود وارد کرده بودند. از جمله:

ارتشبد اویسی فر، فرمانده کل ژاندارمری وقت ۳۰۰ هکتار

سپهبد هاشمی نژاد آجودان مخصوصی و فرمانده گارد ۵۰۰ هکتار

دکتر درودی نماینده قزوین در مجلس شورا با ۲۰۰ هکتار

قاضی اداره اوقاف قزوین ۲۰۰ هکتار

دکتر تنکابنی وکیل پایه یک دادگستری قزوین ۲۰۰ هکتار

دو نفر که از آنها نام برده نشده است هر یک ۱۰۰ هکتار. (باقر مومنی، ۱۳۵۸: ۳۰)

اراضی و قراء واگذار شده در جریان اصلاحات ارضی در آذربایجان غربی

موقوفه حاج عبدالکریم ۱. دو دانگ مشاع از شش‌دانگ قریه آغزیارت = در حین اجرای قانون اصلاحات ارضی به مدت ده سال در اجاره شرکت ام. جی. اس متعلق به علیرضا پهلوی بوده که درصدد ایجاد مزرعه نمونه بوده است. حدود ۲۰۰ هکتار از اراضی بایر پس از اصلاحات نیز به شرکت مزبور اجاره داده شده است.

مقدار ۲۴۲/۵ هکتار از اراضی آبی و ۴۴۹/۵ هکتار اراضی دیمی (جمعاً ۶۹۲ هکتار) به زارعین واگذار شده است.

۲- دو دانگ از شش دانگ قریه میناس جمعاً مقدار ۴۷۹ هکتار اراضی دیمی و آبی واگذار شده است.

۳- دو دانگ مشاع از شش دانگ قریه خان تختی = جمع کل اراضی واگذاری ۳۵۲/۲۵ هکتار

۴- دو دانگ مشاع از شش دانگ قریه تَمَر جمع کل اراضی واگذار شده ۴۹۷/۷۵ هکتار

۵- تعداد ۲۳ سهم شش دانگ قریه سپرغان واگذار شده جمعاً ۱۵۰ هکتار

۶- دو دانگ مشاع از شش دانگ قریه علی آباد

۷- دو دانگ مشاع از شش دانگ قریه جنیزه

۸- دو دانگ مشاع از شش دانگ قریه اسماعیل آقا

۹- دو دانگ مشاع از شش دانگ قریه تازه کند جنیزه. (ساکما، شماره سند، ۳۲۴۷،

۳/۵۶۳، ۳۳۲۰۶، ۳۴۶۵۹، ۱۲۸۲۷، ۱۳۴۱)

حاجی عبدالکریم دارای دو وقفنامه است که اولی در ۲۴ ربیع الثانی ۱۲۸۹ هجری

قمری تحریر شده است که وقف وجوه بر و احسان و ده شب تعزیه داری سیدالشهداء (ع)

شده وقفنامه دیگر در ۱۱ شعبان ۱۳۰۱ هجری قمری تنظیم شده است که بخشی از آن

وقف خاص اول و ذکور و بخش دیگر آن عام است.

پس از فروش موقوفات خاص بر طبق قانون می بایستی برای رعایت نسل بعدی و

بطون لاحق می بایستی رقبات و اراضی دیگری خریداری و جایگزین می شده که این کار

انجام نشده و همان زمان توسط فروشندگان به نفع خود مصادره شده است (مجله میراث

جاویدان، ۱۳۷۳ شماره ۵، ۲۵).

سایر موقوفات و دهات واگذار شده

- الف- سه دانگ مشاع از ششدانگ قریه عربلوی آقالو موقوفه فتح اله بیگ عربلو
- ب) موقوفه مصدق السلطنه مشتمل بر
- ۱- سه دانگ مشاع از شش دانگ قریه چناقلو
 - ۲- ششدانگ قریه گیجلر
 - ۳- ششدانگ قریه زده لو
- ج- موقوفه محمدعلی خان امیرتومان=مشتمل بر ششدانگ قریه میرشکارلو
- د- سه دانگ مفروز از ششدانگ قریه زایه کندی
- ه- موقوفه حاج مولود با دو مشتمل بر حداقل ۸ قطعه از قریه بالو مباحث نویبی ۷۵ طناب محلی
- و- یک سهم از ۷ سهم ششدانگ قریه یکی آجاج
- ز- ششدانگ بیش از ۳۰ قطعه زمین زراعی از قریه دویران- بند- کاکه لر-شفلو- توپراق قلعه- مرشگلو- وقاصلوی سفلی- ساریگلو- گلمرز
- ج- سه دانگ مفروز از ششدانگ قریه طسمالو موقوفه بهاءالملک طسمالو که از رجال دوره ناصرالدین شاه بوده و گویا وزارت خارجه را به عهده داشته است (ساکما ۲۸۵۰۵، ۶۵۵۳، ۳۴۶۶۲، ۳۴۶۶، شناسنامه بازیابی ۳۲۰، ۱۳۴۲).
- در دوران پهلوی، بنیادی تحت عنوان «بنیاد پهلوی» تأسیس شد تا اداره موقوفات در ایران را به عهده گیرد. امور اوقاف در این زمان زیر نظر وزارت فرهنگ و هنر قرار داشت.
- لذا سیاست واگذاری اراضی مرغوب در شهرها به مردمداران شاهنشاهی و برخی ادارات وابسته به رژیم که از ادارات آن پذیره دریافت نمی‌شد، به عنوان مثال موقوفه ای که بایستی درآمد آن به یکی از مساجد شهر تعلق می‌گرفت در خیابان دانشکده (شهید بهشتی فعلی) برای ایجاد کاخ جوانان و پیشبرد اهداف همایونی واگذار گردید.

در دوران حکومت امینی اعتراضات بر ضد رژیم بوسیله مردم آذربایجان به شدت متظاهر گردید عده‌ای از روحانیون من جمله حاج احتشام، آقای حاج شهیدی، حجت الاسلام قریشی و چند روحانی دیگر به تهران و یزد و کاشان تبعید شدند. راهپیمائی و بستن بازار و تشنج عمومی چند روز متوالی در ارومیه ادامه داشت. آذربایجان قبل از سلطنت پهلوی‌ها از مهم‌ترین مراکز اقتصادی کشور بود ولی با وجود حکومت چهل ساله اولیه سلطنت پهلوی‌ها این استان که می‌توانست در صورت توجه بدان یکی از قطب‌های مهم صنعتی مبدل گردد، از سطح پیشرفته‌ترین استان‌ها به سطح عقب مانده ای تنزل کرد این امر شاید حاکی از موقعیت جغرافیایی حساس آذربایجان و به علت نزدیکی با مرزهای شوروی از یک سو به لحاظ اجتماعی، وجود اقلیت‌های مختلف در این استان و اینکه این استان محل موجودیت حکومت‌های خودمختاری در آذربایجان و کردستان بوده که حکومت پهلوی در هر دوره برای خاموش کردن قیام‌ها و شورش‌های مختلف در این منطقه هزینه‌های فراوانی صرف نمودند که نشانه‌های از بی توجهی‌ها را از سوی این رژیم آشکار نمود.

صاحب زمین شدن روستائیان در میزان و نحوه تصمیم گیری آن چه در امور اقتصادی، کشاورزی و دهقانی و چه در امور فرهنگی و اجتماعی، تغییراتی به عمل آورد که عبارت‌اند از:

- تصمیم گیری در موعد کاشت، داشت، برداشت و نوع محصول زراعی که در دوره پیش از اصلاحات ارضی در دست ارباب و به تصمیم وی بستگی داشت.

تبعات اصلاحات ارضی در آذربایجان

از آثار اقتصادی اصلاحات ارضی، گسترش شیوه تولید خرده مالکی خانگی بود پیش از اصلاحات ارضی، نزدیک به ۲۵ درصد اراضی زیرکشت به صورت خرده مالکی اداره

می‌شد، تقسیم اراضی بین روستائیان، جمعیت عظیمی از دهقانان به جرگه خرده مالکان راند و در پایان اصلاحات ارضی اکثریت قاطع دهقانان به طبقه خرده مالک تعلق یافتند به طوری که در این دوره بیش از ۲ میلیون خانوار روستایی مشمول تعریف خرده مالک می‌شدند.

نابرابری از توزیع زمین از عواملی بود که در جریان اصلاحات ارضی زمین میان دهقانان بطور مساوی توزیع نشد حدود ۵/۴۷ درصد از جمعیت روستایی که قبل از اصلاحات ارضی محرومیت بیشتری داشتند هیچ گونه نفعی از توزیع زمین نبردند. علت این مسئله آن بود که زمین براساس نظام قبل از اصلاحات ارضی، زمین براساس نظام قبلی کار روستایی، یعنی داشتن یا نداشتن نسق زراعی، تقسیم شده و در نتیجه گاوداران و صاحبان نسق از آن بهره مند شدند و کارگران کشاورزی بی نصیب ماندند.

بسیاری از مالکان برای جلوگیری از دست رفتن زمین‌های خود، آن را به کمک روحانیون، وقف عام و یا خاص نمودند که این مسئله نیز بعدها بسیاری از روستائیان را با سازمان اوقاف دچار مشکل ساخت. قوانین ناظر بر موقوفات نیز در اساس متأثر از سیاست ارضی دولت بود. در اجرای قانون اصلاحات ارضی اقداماتی که در جهت تجدید مالکیت بوجود آمد، چون در مراحل اول زمین کافی در جهت توزیع بین زارعان صاحب نسق موجود نبوده، در آغاز موقوفات خاص و سپس موقوفات عام، از وقفیت خارج و به زارعین صاحب آن فروخته شد.

براساس نظریه قانونی، اثرات سوئی که از تقسیم اراضی زراعی به قطعه‌های کوچک بر پیکره کشاورزی وارد آمده بود، برای رفع اثر نمودن از نتایج آن، راه چاره را در ایجاد و توسعه تعاونی‌های کشاورزی به عنوان مهم‌ترین عامل همبستگی کشاورزان صاحب زمین‌های کوچک می‌دانستند.

به هر حال قانون اصلاحات ارضی که در مرحله اول موقوفات خاص و در مراحل بعدی موقوفات عام را در گرفت منطبق با قانون مدنی نبود، و در خصوص موقوفات مزروعی با عنایت به اینکه رابطه استجاری یا مستاجری مربوط وجود داشت، کمترین منافع موقوفه وصول و صرف اجرای نیت واقف می‌گردید، پس فروش آن به زارعان متصرف، به عنوان تبدیل به احسن، نیز مصداقی نداشته است.

از میان انگیزه‌های اجتماعی اصلاحات ارضی چنین بر می‌آید که چون بیش‌ترین اراضی مالکی مشمول قانون شده و برای اینکه روستائیان بیشتری صاحب زمین گردند و وضع روستائیان از نظر معیشت بهبود یابد و فاصله بین ارباب و رعیت کوتاه شود، لازم آمد که زمین‌های وقفی نیز مشمول قانون قرارگیرد البته می‌شد با حفظ عین موقوفات برنامه ای را در جهت سهولت بهره برداری و بیشتر منتفع شدن زارعان مستأجر قرار داد، ولی این امر حاصل نشد. در نهایت در قانون اصلاحات ارضی دولت زمین‌های موقوفه ای را که از حد نصاب ارضی که یک شخص باید داشته باشد تجاوز می‌کرد را از آنها خریداری کرد و به دیگران منتقل نمود که این امر باعث انتقال ارضی موقوفه بسیاری گردید در حالی که این مورد از لحاظ شرعی کاملاً مغایر با قوانین و مقررات وقف بوده است.

نتیجه گیری

دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی که در دوران پهلوی رخ داد، به تحکیم قدرت مرکزی و مطیع شدن مناطق پیرامونی انجامید و نیز به تقلیل اهمیت بخش کشاورزی به عنوان منشاء عمده درآمد برای طبقات ممتاز از جمله خاندان سلطنتی، منجر شد. این دگرگونی‌ها اجرای برنامه اصلاحات ارضی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ را تسهیل کرد که به نوبه خود به سقوط طبقات زمین دار قدیمی انجامید و موجب پیدایش مناسبات ارضی و

طبقات اجتماعی و قشرهای جدید، از جمله کشاورزان تجاری، خانواده‌های خرده مالک، و کارگران مزدبگیر در مناطق روستایی ایران شد. از آن گذشته، به رغم سیاست‌های راهبردهای شهرمدارانه توسعه، در این دوره مناطق روستایی ایران رشد متعالی را از سر گذراند و روستائیان و همه قشرها از انبساط اقتصاد و افزایش هزینه‌های دولتی و خصوصی منتفع شدند.

با اجرای اصلاحات ارضی، ساخت سنتی تصرف و بهره‌برداری جمعی زمین در بسیاری از مناطق روستایی شکسته شد. قطعه قطعه شدن زمین‌های زراعی، علاوه بر کاهش میزان بهره‌دهی زمین‌ها سازمان جمعی تولید را که در روستاهای تقلیل داد و در بسیاری از جاها شیوه‌های بهره‌برداری مزدی را به جای آن‌ها نشانده. از آثار دیگر اجرای اصلاحات ارضی، افزایش شدت مهاجرت روستائیان به شهرها بود این امر ناشی از تثبیت دائمی و نفع خوش نشینان روستا از یک سو و تبدیل تعدادی از صاحبان نسق‌های پیشین به کارگران کشاورزی و غیرکشاورزی روزمزد به عنوان مثال در شرکت‌های سهامی زراعی و شرکت‌های کشت و صنعت و ... بود.

منابع

الف) اسناد

۱- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۰۰۹ تاریخ ۳۵/۱۲/۲۳، عریضه زار عین قراء دستگرد و شیخ سرمست.

۲- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۷۵۸/۰۱۱، ۱۳۴۱/۳/۲۲، رسیدگی به شکایات سازمان اصلاحات ارضی کل کشور.

۳- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۰/۳۴۸۳ ه، ۱۳۴۵/۶/۶، تقاضای اهالی دهات رضائیه و شاهپور در مورد رسیدگی به شکایات روستائیان.

۴- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۲۰/۳۴۶۵۹، ۱۳۴۲/۳/۷، فروش اراضی خالصه روستاهای شهرستان رضائیه.

۵- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۲۰/۶۵۴۶، ۱۳۴۲/۷/۱۹، اصلاحات ارضی روستای جونی از توابع رضائیه.

۶- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳۲۰/۶۵۵۳، ۱۳۴۲/۸/۲۳، اصلاحات ارضی روستای بند از توابع رضائیه.

۷- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۸۹۰۸، شماره بازیابی ۳۲۰، درخواست واگذاری اراضی خالصه در مرگور و روستاهای اطراف ارومیه.

ب) کتاب

۱- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.

۲- آوری، پیترو (۱۳۶۸). تاریخ معاصر ایران از سلسله پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطائی.

۳- ابن یوسف، برهان. (۱۳۷۵). نیکوکاری و داد و دهش در ایران باستان، تهران، فروهر.

۴- احمد بن سلیمان، ابوسعید (۱۳۵۸). مقدمه ای بر فرهنگ وقف، تهران، سازمان اوقاف.

۵- اشرف‌احمد (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران-تهران-پیام

- ۶- اشرف، احمد (۱۳۸۷). طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نیلوفر.
- ۷- اشرف، احمد (۱۳۸۷). دوازده سال کوشش در راه ساختن ایران نوین، تهران، شورای مرکزی جشن‌های بنیاد شاهنشاهی.
- ۸- امینی، علی (۱۳۷۶). خاطرات علی امینی به کوشش یعقوب توکلی، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.
- ۹- باقی، عمادالدین (۱۳۷۰). بررسی انقلاب اسلامی، قم، تفکر.
- ۱۰- بیل، جیمز (۱۳۷۱). عقاب و شیر، ترجمه مهوش غلامی، تهران، کوپه.
- ۱۱- بشیری، عباس (۱۳۹۰). حقوق کاربردی وقف و املاک وقفی، تهران: جنگل.
- ۱۲- حائری یزدی، محمدحسن (۱۳۸۰). وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفای اقتصاد اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۳- راوندی، مرتضی (۱۳۵۸). تاریخ تحولات اجتماعی ایران، تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- روحانی، سید حمید (۱۳۷۱). بررسی و تحلیل نهضت امام خمینی (ره)، تهران: انقلاب اسلامی.
- ۱۵- سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۰). نگاهی به وقف و آثار اقتصادی و اجتماعی آن، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۶- شاهدی، مظفر (۱۳۸۰). زندگانی سیاسی خاندان علم‌تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

۱۷- عظیمی، فخرالدین (۱۳۶۱). بحران دموکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هو شنگ مهدوی، تهران: البرز.

۱۸- عمید، محمدجواد (۱۳۸۱). فقر و اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه رامین امینی نژاد، تهران: نی.

۱۹- فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.

۲۰- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۳). اقتصاد سیاسی ایران از م شروطیت تا پایان سل سله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.

۲۱- گازیورسکی، مارک (۱۳۷۱). سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون کشاورز، تهران: مرکز.

۲۲- لمبتون، آ. ن (۱۳۶۲). مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۳- مجلس شورای ملی، مجموعه قوانین دوره قانونگذاری بیست و سوم، ۹ شهریور، ۱۳۵۰.

۲۴- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۸). رویه قضایی ایران، تهران: جنگل، چاپ دوم.

۲۵- معبادی، حمید (۱۳۸۱). چالش‌های ایران و آمریکا، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۶- مرکز آمار ایران، آمار ملی، نخستین سرشماری ملی کشاورزی، سال ۱۳۳۹، تهران: وزارت داخله.

- ۲۷- مصطفوی رجالی، مینو دخت (۱۳۵۱). وقف در ایران. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۲۸- مومنی، باقر (۱۳۵۸). مسائل ارضی و جنگ طبقاتی، تهران: پیوند.
- ۲۹- هالیدی، فرد (۱۳۵۸). دیکتاتوری و توسعه سرمایه داری در ایران، ترجمه فضل الله نیک آئین، تهران: امیرکبیر.
- ۳۰- همایون، داریوش (۱۳۴۲). اصلاحات ارضی راهی به بیرون از بن بست، تهران: بی نا.
- ۳۱- هوگلاند، جیمز اریک (۱۳۹۲). زمین و انقلاب در ایران، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: پردیس دانش.
- ۳۲- وهرام، غلامرضا (۱۳۶۷). نظام سیاسی سازمان اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران: معین.
- ۳۳- ویسلون، آبراهام (۱۳۸۳). تاریخ روابط ایران و آمریکا از ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ ش، ترجمه محمدباقر آرام، تهران: امیرکبیر.

ج) مجلات

- ۱- مجله میراث جاویدان، سال دوم، شماره ۱، سال و ۱۳۷۲.
- ۲- مجله میراث جاویدان، سال دوم، شماره ۲، تابستان سال و ۱۳۷۲.
- ۳- مجله میراث جاویدان، سال سوم، شماره ۵، سال ۱۳۷۲